خراسان روزنامه صبح ایران
یکشنبه ۹ خرداد ۱۳۹۵ . ۲۲ شعبان ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۲۶۶

قتل با ضربه چاقو

سجادی- طی نزاعی که در بولوار عمار یاسر مشهد رخ داد جوانی به ضرب چاقو به قتل رسید. به گزارش خراسان، عصر روز گذشته مأموران کلانتری مصلای مشهد در جریان قتل جوانی قرار گرفتند که طی نزاعی مجروح و در مرکز درمانی جان باخته بود. با گزارش این حادثه به قاضی حسینی (قاضی ویژه قتل عمد) تحقیقات در این باره در حالی آغاز شد که گروهی از مأموران انتظامی عملیات دستگیری عاملان این نزاع خونین را در دستور کار قرار داده‌اند.

گفت‌وگوی خراسان با عاملان قتل فجیع مادر و دو کودک خردسالش در مشهد

کودکان وحشت‌زده می‌لرزیدند!

سید خلیل سجادپور- نیمه شب دوم خرداد جنایت هولناکی در مشهد رخ داد که طی آن مادری ۴۰ ساله و ۲ دختر ۳ و ۶ ساله اش به طرز فجیعی به قتل رسیدند. اگرچه پی گیری سریع این پرونده جنایی با صدور دستورات ویژه ای از سوی دادستان مشهد و تلاش شبانه روزی قاضی ویژه قتل عمد و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی، تنها طی ۲۴ ساعت به دستگیری عاملان این جنایت مخوف منجر شد اما وقوع این جنایت هولناک افکار عمومی را جریحه دار کرد و شهروندان در تماس های مکرر خود با گروه حوادث روزنامه خراسان خواستار برخورد قاطع دستگاه قضایی با عوامل این جنایت شدند. خبرنگار خراسان نیز در ادامه پیگیری این پرونده کم سابقه جنایی گفت‌وگویی با عاملان قتل فجیع ۳ عضو یک خانواده انجام داده است. آنچه می خوانید بخش هایی از این گفت‌وگوی ۳ ساعته است اما به دلیل وحشتناک بودن چگونگی ارتکاب قتل، ضمن عذرخواهی از خوانندگان خوب خراسان از ذکر جزئیات آن معذوریم.

نامت چیست و چند سال داری؟ حمزه ج هستم و ۲۱ سال دارم.

سابقه کیفری هم داری؟ بله به خاطر اعتیاد به مواد مخدر زندانی شده‌ام.

ازدواج کرده‌ای؟ نه! مجردم

چه نسبتی با افشین (طراح جنایت و عامل دیگر قتل) دارید؟ پدر من، پس از مرگ مادرم با مادر افشین ازدواج کرد در واقع او برادر ناتنی من است.

نقشه قتل را چگونه طراحی کردید؟ من در روستا بودم که افشین تماس گرفت و تلفنی از من خواست به مشهد بیایم. او گفت با من کاری دارد ولی من سوال نکردم که چه کار داری؟ فکر کردم حتما برای من شغلی پیدا کرده است. بعد از ظهر شنبه (روز جنایت) در پارک منطقه قلعه خیابان او را دیدم که با احمد و سهراب (۲ متهم دیگر پرونده) بودند. افشین گفت: برویم به خانه مادرم! من می‌خواهم با او صحبت کنم!!

چگونه وارد منزل مادر افشین شدید؟ ما در اطراف منزل آن ها بودیم. احمد (شوهر خواهر افشین) به منزل آن ها رفت و آمد داشت. او که به خانه مقتولان رفته بود خبر آورد که کسی در منزل نیست فقط آمنه و ۲ دختر کوچکش در خانه هستند. او در حیاط را هم باز گذاشت که من و افشین و سهراب وارد شدیم. افشین از کوله پشتی خودش تبر را بیرون آورد و من هم بلافاصله صدای تلویزیون را بلند کردم سپس چوبدستی که پشت تلویزیون قرار داشت را برداشتم که اگر همسر آمنه آمد او را بزنم. دختران کوچک جیغ می کشیدند که نجمه دختر ۳ ساله را من گرفتم و دختر ۶ ساله دیگر را هم سهراب گرفت. وقتی افشین مادرش را داخل اتاق خواب با تبر می زد دختر کوچک هم وحشت زده فریاد می کشید. سهراب وقتی این صحنه را دید حالش بد شد و نغمه (دختر ۶ ساله) را رها کرد و داخل حیاط نزد احمد رفت. من هم ابتدا با چوبدستی به سر دختر ۳ ساله زدم و مقابل چشمان خواهرش او را روی زمین انداختم و با چاقو کشتم!

چاقو را از کجا تهیه کردی؟ آن را از خانه آمنه برداشته بودم که بعد از قتل هم داخل کوچه انداختم.

چرا به صورت موازی ضربات چاقو را کشیده بودی؟ به خاطر این که من گوسفندان زیادی را سر بریده بودم آن لحظه هم...

مشروب هم می‌خوردی؟ نه من اهل مشروب و مواد مخدر صنعتی مانند شیشه نیستم ولی شیره می کشم!

چرا صدای تلویزیون را بلند کردی؟ بچه ها و مادرشان سروصدا می کردند و احتمال داشت همسایگانشان متوجه موضوع شوند!

دلت به حال دختران کوچک نسوخت؟ نه! آن ها وحشت زده بودند و از ترس می‌لرزیدند اما بعد از آن کمی دلم سوخت!!

چرا پیکر نیمه جان نغمه زیر جسد مادرش افتاده بود؟ وقتی او را با چاقو زدم سروصدا می کرد به همین خاطر جسد مادرش را بلند کردم و او را زیر جسد انداختم.

وقتی وارد خانه شدید مادر افشین چیزی نگفت؟ چرا سوال کرد برای چه آمده اید؟ که افشین گفت: من پسرت هستم آمده ایم تا با تو صحبت کنیم!!

خون مقتولان به در و دیوار منزل پاشیده بود، لباس های شما خونی نشد؟ چرا! من از قبل یک دست لباس به همراه خودم داشتم! لباس های خون آلودم را عوض کردم. بعد از آن هم من و افشین سروصورت و دست های خون آلودمان را در سرویس بهداشتی شستیم.

سند منزل را چه کسی سرقت کرد؟ وقتی مادر افشین تبر را دید خودش به اتاق رفت و سند منزل را به افشین داد ولی بعد با هم جرو بحث کردند. آمنه قصد داشت تبر را از افشین بگیرد ولی او مهلت نداد و ضرباتی را به سروصورت مادرش زد.

تبر را چه کردید؟ افشین داخل کوچه آن را از کوله پشتی خودش بیرون آورد و به پشت بام یکی از همسایگان انداخت.

■ **گفت‌وگو با طراح و عامل قتل مادر ۴۰ ساله**

اسمت چیست و چند سال داری؟ افشین ج هستم و ۲۱ سال سن دارم.

چه زمانی نقشه قتل مادرت را کشیدی؟ من از ۸ سال قبل مادرم را ندیده بودم. فقط می‌خواستم او را ببینم و با هم صحبت کنیم.

پس چرا با چاقو و تبر و چند نفری به سراغش رفتید؟ از شوهرش می ترسیدم.

چرا از چند روز قبل از جنایت به دنبال آدرس منزل مادرت بودی؟ فقط می‌خواستم او را ببینم!!

چرا از مشهد نقل مکان کردید؟ وقتی دو هفته قبل خواهرم به طرز مشکوکی جان سپرد پدرم گریه می کرد به همین خاطر از مشهد به روستا نقل مکان کردیم.

انگیزه ات از ارتکاب این جنایت فجیع چه بود؟ ذهنیت بدی از مادرم داشتم اما نمی خواستم او را بکشم وقتی او ما را رها کرد و رفت زخم زبان های دیگران را نمی توانستم تحمل کنم!

از منزل مادرت چه چیزی بردی؟ مادرم فکر کرد برای سند رفته ام به همین دلیل سند منزل را به من داد ولی من برای سند نرفته بودم اما فقط سند را با خودم بردم.

این جنایت هولناک چگونه رخ داد؟ حدود ساعت ۲۳ شب بود که احمد (نامزد خواهرم) زنگ زد که بیایید کسی در خانه نیست ما هم که همان اطراف بودیم حرکت کردیم. احمد در حیاط را باز گذاشته بود وقتی با مادرم صحبت کردم او تبر را از دستم گرفت که تیغه آن کف دستم را خونی کرد من هم عصبانی شدم و ابتدا یک ضربه به پای او زدم و سپس بقیه ضربات را به سروصورتش وارد کردم.

الان چه احساسی داری؟ هیچی! پشیمانم! اگرچه دلم برای دخترها می سوزد چون دختر بزرگتر شبیه خواهرم بود!

منزل مسکونی محل جنایت

متهمان در حال تشریح جنایت در حضور مقام قضایی

تصویر ۲ تی از قربانیان

کشف جسد خواننده راک در منزل مسکونی

سجاد پور - جسد «ه-پ» خواننده ۳۴ ساله راک در حالی که رگ دستانش بریده و تیغ موکت بری نیز کنارش افتاده بود در طبقه همکف یک مجتمع مسکونی در بولوار هاشمیه مشهد کشف شد. به گزارش خراسان، عصر جمعه گذشته وقتی برادر این خواننده به همراه دوستانش به منزل وی رفتند هنگامی که با کلید در منزل را گشودند با جسد غرق در خون این خواننده جوان رو به رو شدند و بدین ترتیب ماجرای مرگ این خواننده توسط مأموران انتظامی به قاضی سیدجواد حسینی (قاضی ویژه قتل عمد) اعلام شد. دقایقی بعد با حضور قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد در محل کشف جسد تحقیقات در حالی آغاز شد که خون زیادی کف پذیرایی، آشپزخانه و سرویس بهداشتی به چشم می خورد. تلفن همراه، لپ تاپ و تعدادی قرص اعصاب و روان نیز کنار جسد وجود داشت و دست نوشته هایی که حکایت از خودکشی می کرد روی دیوار نقش بسته بود. او در این دست نوشته ها از کلیپ هایی سخن گفته بود که روی تلفن همراهش ضبط کرده است. این گزارش حاکی است: آثار جراحت های قدیمی التیام یافته ای نیز روی بدن متوفی نمایان بود و ساعد و مچ هر دو دست او نیز بریده شده بود. بررسی های قاضی حسینی بیانگر آن بود که خواننده راک به طور مجردی در این منزل زندگی می کرد. جسد وی برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این باره ادامه یافت.

خط زرد

(۶)

ضوابط استفاده از علایم ایمنی در برابر حریق

* رنگ های ایمنی در برابر حریق به شرح زیر است:
الف: قرمز- تجهیزات اطفای حریق- شناسایی و مکان‌یابی
ب : سبز- خروج اضطراری- ورودی ها ، خروجی ها ، راه های فرار
* رنگ قرمز مشخص کننده مکان تجهیزات اطفای حریق است. مکان تجهیزات با به کارگیری تابلویا با رنگ آمیزی پس زمینه ای که تجهیزات روی آن قرار دارد، مشخص می شود. در صورتی که تجهیزات به طور عمده قرمز باشد ممکن است به تشخیص مسئولان نیاز به رنگ کردن پس زمینه وجود نداشته باشد.
* اگر بنا به هر دلیلی تجهیزات آتش نشانی در مکانی دور از دید مستقیم قرار داشته باشد، باید مکان آن ها با علایم و جهت نماهای مناسب تجهیزات آتش نشانی مشخص شود.

سازمان نظام مهندسی ساختمان خراسان رضوی

حادثه در قاب

مصدومیت شدید راننده پی کی روز گذشته در برخورد بانرده های محافظ بزرگراه کلانتری مشهد- آتش نشانی

واکنش های گسترده به تجاوز گروهی به دختر نوجوان در برزیل

تجاوز به یک دختر نوجوان در برزیل توسط بیش از ۳۰ مرد، جنجال سازشد و دولت نشست فوق العاده وزیران برای بررسی این مسئله را تشکیل داد. به گزارش تسنیم، بر اساس گزارش رسانه‌های محلی، این دختر ۱۶ ساله که به خانه دوستش رفته بود ناگهان با حضور بیش از ۳۰ مرد مسلح مواجه شد. طبق گفته‌های این دختر نوجوان، او یک روز بعد از حادثه در حالی به هوش آمد که خود را در یک خانه دیگر یافت که پر از مردان غریبه بود و برای خارج شدن از آنجا مجبور شد لباس مردانه به تن کند. اما مردان متجاوز به همین بسنده نکردند و دوتن از آنها با انتشار تصاویر و ویدئو از صحنه تجاوز همه را در بهت فرو بردند و خشم مردم را برانگیختند.

در امتداد تاریخی

دلم نمی سوخت...!

من هیچ وقت در زندگی محبتی از کسی ندیدم به همین خاطر هم اصلا نمی دانم محبت چیست و برای چه دیگران می گویند کمبود محبت دارم. من از همان دوران کودکی یک فرد عقده ای بار آمدم و هیچ گاه «ترحم» برای من معنا و مفهومی نداشت. اگر این گونه بار نیامده بودم شاید زمانی که گلوی دختران خردسال را می بریدم اندکی دلم به حالشان می سوخت و...

«حمزه» جوان ۲۱ ساله ای است که به عنوان یکی از متهمان اصلی پرونده قتل فجیع ۳ عضو یک خانواده در مشهد، قبل از خروج از کشور دستگیر شده است، وی پس از آن که به سوالات قضایی قاضی حسینی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) درباره چگونگی جنایت وحشتناک خود پاسخ داد، به تشریح ماجرای زندگی اش پرداخت و گفت: مادرم را به خاطر ندارم چرا که او ۲۰ سال قبل وزمانی که من کودکی یک ساله بودم، هنگام به دنیا آوردن خواهرم از دنیا رفت. پس از آن پدرم مرا به مادربزرگم سپرد و ۵ سال بعد با دختر نوجوانی ازدواج کرد که او مادر «افشین» (یکی دیگر از متهمان اصلی پرونده) بود. من هم تا کلاس پنجم ابتدایی در روستا درس خواندم ولی بعد از آن عموهایم نگذاشتند ادامه تحصیل بدهم چرا که کسی نبود تا از گوسفندان آن ها نگهداری کند. به خاطر ندارم که برای اولین بار چه موقع مواد مخدر استعمال کردم چون اطرافیانم همه مواد مصرف می کردند. زمانی که چوپانی می کردم به طور طبیعی ذبح گوسفند را هم آموختم و همیشه خودم به راحتی گوسفندان را سر می بریدم به طوری که مهارت خاصی در این کار پیدا کرده بودم روزها به همین ترتیب سپری شد تا این که چند سال قبل روستا را رها کردم و برای کارگری به مشهد آمدم. من از طریق کارگری زندگی می کردم و هنوز مجرد بودم چون کس و کاری هم نداشتم هیچ کس به فکر من نبود و از کسی محبتی هم نمی دیدم تا این که چند روز قبل «افشین» برادر ناتنی ام با من تماس گرفت و در پارکی در منطقه قلعه خیابان مشهد قرار گذاشت. من از او نپرسیدم چه کار دارد وقتی به محل قرار رفتم او گفت می خواهد با مادرش صحبت کند. من هم همراه او رفتم. وقتی داخل خانه بودیم «افشین» با تبر مادرش را کشت من هم در آن لحظه دختر ۳ ساله او را گرفته بودم که دیدم وحشت زده صحنه مرگ مادرش را نگاه می کند. آن زمان هیچ احساسی نداشتم به طوری که دیدن آن صحنه های خونین برایم طبیعی بود دیگر چاره ای نداشتم تا این که ابتدا دختر ۳ ساله را روی زمین انداختم و با چاقو او را کشتم و پس از آن هم دختر ۶ ساله را به قتل رساندم؛ البته حدود ۴ ساعت قبل از این ماجرا یک قرص ترک اعتیاد خورده بودم. با این که می دیدم ۲ دختر کوچک از شدت ترس و وحشت به خود می لرزند دلم برایشان نمی سوخت و... شایان ذکر است از درج جزئیات اظهارات متهم بی رحم به منظور آزرده خاطر نشدن خوانندگان گرامی خودداری و عذرخواهی می کنیم.
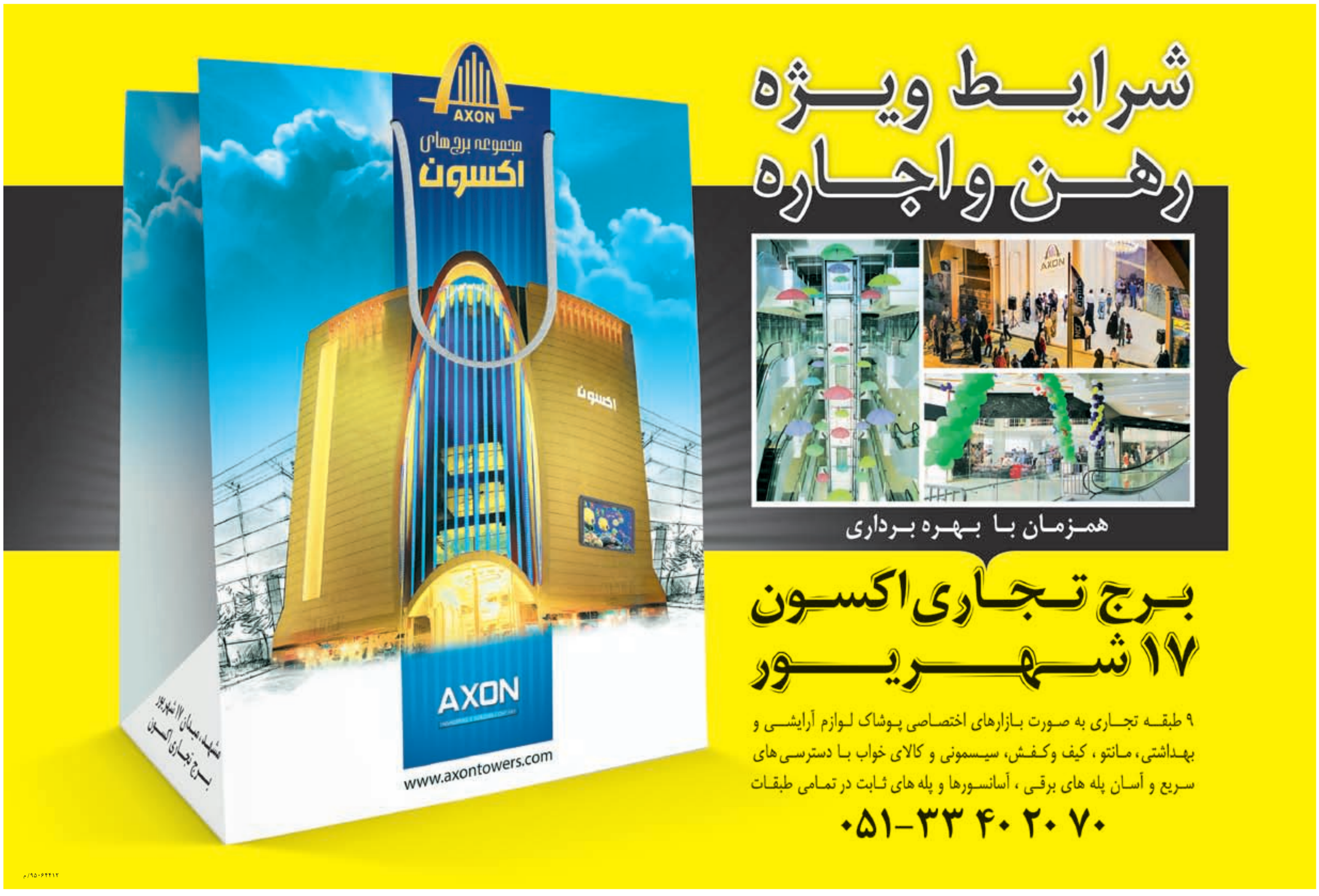
ماجرای واقعی با همکاری پلیس آگاهی